

تاریخچه اخلاق پزشکی در ایران

باقر لاریجانی^۱، فرزانه زاهدی*^۲، سیدحسین امامی رضوی^۳

چکیده

اخلاق پزشکی تاریخچه ای بس طولانی در جهان دارد و مسلماً دستیابی به اخلاقی همسو با فرهنگ جوامع مختلف، باید با توجه به پیشینه تاریخی آنها حاصل گردد. اغلب تصور بر این است که تاریخ اخلاق پزشکی با بقراط آغاز می شود؛ در حالی که اخلاق پزشکی سابقه ای دیرینه تر دارد. روشن است که فرهنگ های مختلفی همچون بابلی، مصر باستان، یونانی، و ایرانی، همه در قانونمند کردن طب و حفظ حقوق بیماران اهتمام ورزیده اند. یکی از اولین دست نوشته های بشری در این موضوع، که به سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد بر می گردد، قانون حمورابی است که توسط بابلیان تنظیم گردیده است. در این مقاله سعی شده است ریشه های اخلاق پزشکی در تاریخ طب ایران، خصوصاً پس از گرویدن ایرانیان به اسلام مورد بررسی قرار گیرد. در این دست نوشته به طور عمده از کتب و دست نوشته های پزشکان و مورخان بزرگ ایرانی و خارجی، و پاره ای از مقالات چاپ شده در مجلات معتبر جهان، که از طریق جستجوی در پایگاه های اطلاعات علمی همچون Medline و Ovid و موتورهای جستجوی مانند Google Scholar بدست آمده، استفاده گردیده است. تاریخچه طب در ایران به حدود قرن چهارم قبل از میلاد مسیح برمی گردد. پزشکان بزرگ ایرانی توجه ویژه ای به اخلاق پزشکی داشته اند که در کار بالینی، آموزش و تدریس و نگارش کتب مشهود است. بین دوران تمدن باستان و دوره رنسانس در اروپا دوران تاریک موسوم به قرون وسطی است. در این دوران، ایرانیان گام های قابل توجهی در حیطه دانش و اخلاق در جهان برداشته اند که مرور خواهد شد.

واژگان کلیدی: تاریخ اخلاق، تاریخ طب، اخلاق پزشکی، تاریخ ایران، ایران

۱- مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم، و مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران

۲- مرکز تحقیقات غدد درون ریز و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران

۳- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

*نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بیمارستان دکتر شریعتی، طبقه پنجم، کدپستی ۱۴۱۱۴؛ تلفن: ۳-۸۸۰۲۶۹۰۲؛ نمابر: ۸۸۰۲۹۳۹۹؛ پست الکترونیک: emrc@sina.tums.ac.ir

مقدمه

پزشکی، یا معادل لاتین آنها استفاده شده است. در برخی موارد نیز اسامی دانشمندان و کتب برای جستجوی کاملتر مورد استفاده قرار گرفته است.

در دهه‌های اخیر توجه ویژه و روزافزون اندیشمندان جهان را نسبت به اخلاق در طب و یا به عبارتی وسیعتر نسبت به اخلاق در علم شاهد بوده‌ایم. از جمله ثمرات این اقبال و توجه، تلاش سازمان‌های جهانی در جهت قانونمند نمودن و کاربرد عملی اصول اخلاقی در حیطه علوم مختلف به‌ویژه در دانش بیولوژی و پزشکی می‌باشد. در حال حاضر که تدوین بیانیه جهانی اخلاق زیستی توسط سازمان یونسکو مراحل نهایی خود را طی می‌نماید؛ توجه به فرهنگ‌های مختلف جوامع یک ضرورتی اساسی است. ما در حال حاضر در جهانی دارای مذاهب و فرهنگ‌های مختلف زندگی می‌کنیم که هیچ یک را به تنهایی نمی‌توان سردمدار مطلق اخلاق در جهان نامید لذا احترام به تاریخ جوامع مختلف یک مسؤولیت اخلاقی محسوب می‌شود. مسلماً دستیابی به اخلاقی همسو با فرهنگ‌های مختلف بایستی براساس توجه و تقدیر از تاریخ آنها پایه‌گذاری گردد [۱]. از سوی دیگر؛ سهم شدن در تجربیات یکدیگر نیز می‌تواند در مسیر پیش‌رو راهگشا باشد [۱]. در این مقاله سعی بر آن داریم که تاریخ اخلاق پزشکی در ایران را قبل و بعد از اسلام مورد جستجو قرار دهیم؛ چرا که بدون شک اسلام و ایران به‌عنوان دو مذهب و ملت تأثیرگذار بر علم و اخلاق در سیر تاریخی علم در جهان بوده‌اند. در ابتدا بطور مختصر تاریخچه‌ای از طب در ایران ذکر می‌گردد.

روش‌ها

در این مقاله به طور عمده از کتب و دست نوشته‌های پزشکان و مورخان بزرگ ایرانی و خارجی استفاده شده است. همچنین پاره‌ای از مقالات چاپ شده در مجلات معتبر جهان، که از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعات علمی همچون Medline و Ovid و موتورهای جستجویی مانند Google Scholar بدست آمده است، مورد استناد قرار گرفته است. در جستجوی مطالب الکترونیکی از کلمات کلیدی همچون «تاریخ پزشکی» یا «medical history» همراه با کلمات دیگری مانند «ایران»، «اسلام»، «اخلاق

تاریخ پزشکی در ایران

طب ایرانی ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد بطوری که برخی برآنند که مغان (مؤبدان) ایرانی واضع علم پزشکی می‌باشند [۲]. حتی برخی مورخان با توجه به اطلاعات موجود، دور از منطق ندانسته‌اند که بگوییم ایرانیان مبانی طبی را که به عنوان «طب یونانی» در جهان معروف است، به یونانی‌ها آموخته‌اند [۳، ۴]. در هر حال، در سال ۳۳۱ قبل از میلاد (ق.م.) با لشکرکشی اسکندر مقدونی، تمدن یونانی با وسعت و گستردگی زیادی وارد ایران شد و بتدریج دانشگاه جندی شاپور بر پایه دانش یونانی پایه ریزی گردید [۵]. تعلیم طب در دانشکده پزشکی جندی شاپور عمدتاً توسط پزشکان یونانی و سریانی انجام می‌گرفته است ولی عده‌ای اطباء این مرکز بزرگ طبی نیز ایرانی بودند [۶]. بسیاری از داروها و ترکیبات رایج در طب قدیم مغرب زمین از جندی شاپور و از طریق ایرانیان به دیگر نقاط دنیا راه یافت [۵]. در دوران ساسانیان اجازه نامه‌هایی به اطباء می‌دادند که مانند شهادتنامه یا گواهی‌های امروزی بود تا اشخاصی که استحقاق طبابت را دارند به این امر اشتغال ورزند [۶]. از موضوعات قابل ذکر در طب دوران ساسانیان این است که گاه از مجرمین و جانپانی که مستحق اعدام بودند برای تجربه و آزمایش‌های طبی استفاده می‌شد [۶].

هر چند از دیر باز و در دوران قبل از اسلام، در کشور ما پزشکی پیوند ویژه‌ای با آیین مذهبی زرتشت و تعلیمات اوستا داشته است [۳]؛ اما ظهور اسلام تأثیر شگرفی هم بر ارتقای علم پزشکی و هم تکمیل مکارم اخلاق در طبقه پزشکان گذاشت. اسلام از ابتدا ارزش بسیاری برای علم و علم‌اندوزی قائل گردید. نقل شده است که بعد از جنگ بدر رسول اکرم (ص) به اسرای مشرکین دستور داد که هر فرد باسواد به ده نفر از فرزندان خردسال مسلمانان خواندن و نوشتن بیاموزند و این آموزش دادن موجب آزادی آنان از

بنظر می‌رسد تألیف در حیطه طب در بین مسلمانان از قرن سوم هجری آغاز شده باشد [۲]. پس از آن دانشمندان بزرگ بسیاری در نواحی مختلف کشور پهناور اسلامی در آن زمان بوجود آمدند. در قرن دهم میلادی (حدود قرن پنجم هجری) پزشکان مسلمان در رتبه‌ای عالی ظهور یافتند [۱۴] و میراث پزشکی شرق و غرب به واسطه تألیفات آنان، غناء یافت. اولین دانشگاه‌ها، بیمارستانها، و مراکز درمانی شبیه به زمان معاصر نیز به دست مسلمانان بنا شد [۱۹-۱۵، ۱۳]. بیمارستان‌ها تحت نظارت دولت بوده و توسط پزشکان اداره می‌شدند [۱۵]. صرفاً پزشکانی که با شرکت در آزمون‌های ویژه، مدرک پزشکی دریافت کرده بودند مجاز به ارائه خدمات طبی به بیماران بودند [۱۵].

در سده‌های چهارم تا هفتم هجری (۱۳-۱۰ میلادی) که اوج تمدن ایران بعد از اسلام است، پزشکی نیز دوران زرین خود را طی کرد. در این دوره طلایی امپراطوری اسلامی، دانشمندان معروف بسیاری را می‌توان نام برد که از مشهورترین پزشکان بودند؛ از جمله: علی ابن ربین طبری (۲۴۷-۱۹۲ ه.ق.)، محمد زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ه.ق.)، علی بن عباس مجوسی اهوازی (۳۱۸-۳۸۴ ه.ق.)، شیخ رئیس ابوعلی حسین ابن عبدالله ابن سینا (۳۷۰-۴۲۷ ه.ق.) و شرف‌الدین ابوالبراهیم اسماعیل جرجانی (۴۴۳-۵۳۱ ه.ق.) که کتاب‌هایی در طب به زبان فارسی و عربی نوشته‌اند [۵، ۲۴-۲۰]. ناگفته نماند که بسیاری از پزشکان این دوره، ایرانی بودند هر چند کتابهای خود را به زبان عربی که زبان رایج در بین مسلمانان بود می‌نوشتند [۲، ۴، ۱۴]. کتاب‌های «الحاوی» و «طب منصور» رازی از مهم‌ترین کتب طبی آن زمان محسوب می‌شدند [۴، ۱۴]. این دو کتب و نیز کتاب «کامل‌الصناعه الطیبه‌الملکی» نوشته علی بن عباس مجوسی اهوازی، در آن قرون به لاتین ترجمه و بارها به چاپ رسیدند [۲]. همچنین، کتاب قانون ابن سینا که در آغاز قرن دوازدهم میلادی به زبان لاتین ترجمه شد، یگانه مرجع دانش پزشکی برای حدود شش قرن بود [۲، ۱۹، ۲۵]. سیداسماعیل گرگانی معروف به جرجانی (صاحب ذخیره خوارزمشاهی) و حکیم معیری (صاحب دانشنامه‌ای در علم پزشکی به شعر) از بزرگانی

اسارت می‌شد^۱. از امامان معصوم نیز نقل شده است که فرموده‌اند: «دانش، گمشده مؤمن است. پس آن را طلب کنید، گر چه نزد مشرک باشد». و روایات دیگر که همین معنا را بیان می‌کنند^۲. پیامبر گرامی اسلام توجه و ارزش ویژه‌ای برای علم پزشکی قائل بودند که همین امر موجب توجه مسلمانان به علم طب گردید. در ابتدا دانشمندان اسلامی آنچه را در قرآن و احادیث درباره حفظ صحت و سلامتی و جلوگیری از بیماری‌ها وارد شده بود گردآوری کردند که در قرون بعد با استفاده از این منابع غنی، دانشمندان مسلمان کتب متعددی با عنوان طب‌النبی نوشتند [۷]. از میان مهم‌ترین این مجموعه‌ها، اندیشمند معاصر دکتر مهدی محقق کتابهای الطب فی‌الکتاب والسنه (عبداللطیف بغدادی)، الطب النبوی ذهبی، والطب النبوی ابن‌القیم، والرحمه فی الطب والحکمه سیوطی را نام می‌برند [۸]. از میان دانشمندان غیر مسلمان نیز «سیریل الگود» مقاله‌ای تحت این عنوان دارد که در سال ۱۹۶۲ میلادی منتشر شده است [۹، ۱۰].

پس از اسلام، مراکز بزرگ طبی ایران به دست اعراب افتاد و در زمان حکومت گسترده اسلام در جهان، مرکز گسترش علم پزشکی گردید. مسلمانان در ابتدا از ملل دیگر در کسب دانش طب مدد جستند ولی با سعی و تلاش خود به دستاوردهای عظیمی در پزشکی؛ خصوصاً در قرون چهارم هجری به بعد دست یافتند؛ به نحوی که به جرأت می‌توان گفت سردمداری علم طب در جهان را به مدت چند قرن در دست داشتند. دوران طلایی تمدن اسلامی با قرون وسطی در اروپا همزمان بود [۱۱].

شاید بتوان فعالیت اصلی مسلمانان در قرن اول و دوم هجری را ترجمه متون پزشکی سایر ملل به عربی دانست [۱۱، ۱۲]. مسلمانان نه فقط منابع و مدارک دانش یونانیان را حفظ، ترجمه و استفاده نمودند بلکه با نوشتن تفاسیر و شرح و حاشیه بر آنها، متون علمی را مورد بحث قرار داده و اولین روش علمی تجربی را در طب بنیان نهادند [۱۳].

۱. احمد بن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۲۴۷. تاریخ الخميس، ج ۱، ص ۳۹۵.

۲. طوسی، امالی، ج ۲، ص ۳۳۸. تحف العقول، ص ۱۳۸ و ۲۹۲. غررالحکم، ج ۱، ص ۳۹۴. بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۸، ۳۴ و ۳۰۷. ج ۲، ص ۱۷، ۹۶ و ۹۷ و صفحاتی دیگر.

[۲۲]. دانشی که از دنیای اسلام اخذ شده بود حدود هفت قرن مواد اصلی دروس دانشگاهی در اروپا را تشکیل می‌داد [۲۲]. در هر حال، جهان چندین قرن از پیشرفت‌های بزرگی که بدست پزشکان مسلمان حاصل گردیده بود، بهره برد [۲۸]. اروپائیان با استفاده از این سرمایه در راه اعتلای دانش و فن گام نهادند و تجدید حیات پزشکی در اروپا بر پایه طب اسلامی بنا گردید [۲۹].

اخلاق پزشکی در ایران قبل از اسلام

طب در دوران قدیم در جمیع کشورها مانند مصر، یونان، کلد و آشور و امثال آنها با عقاید دینی همراه بوده است. در ایران شش هزار سال قبل، بابلیان در علم پزشکی پیشرفت‌هایی داشته‌اند و نسبت به طب مصری که همزمان با آن رواج داشته، علمی تر بوده و کمتر جنبه های کهانت داشته است. بعد از آنها آشوریان که علاوه بر فراگرفتن دانش پیشینیان در مسائل بهداشتی نیز پیشقدم بوده‌اند، قوانین حمورابی را وضع کردند که تخطی از آن جرائم سنگینی را به دنبال داشته است [۳۰، ۵]. قوانین حمورابی حدود ۱۷ قرن پیش از میلاد مسیح (ع) تنظیم شده است [۲۳] و بر روی ستونی سنگی نقش گردیده است (شکل ۱). این کتیبه جزو آثار باستانی شهر شوش در ایران بوده ولی کاوشگران فرانسوی در سال ۱۹۰۲ میلادی آن را به موزه لور انتقال داده‌اند [۳۱، ۳۲].

بودند که در این دوره آثار طبی برجسته‌ای به وجود آوردند [۲۴].

افتراق بین آبله و سرخک، تشخیص گواتر از سرطان تیروئید، تعریف علمی تب یونجه (رینیت آلرژیک)، ابداع سرم درمانی، شناسایی ترکیب شیمیایی اسید سولفوریک و الکال، استفاده از نخ بخیه و الکال برای قطع خونریزی، مصرف الکال به عنوان ضد عفونی کننده، استفاده از اولین داروهای بیهوشی و وسایل آهنی شبیه کوتر در کنترل خونریزی‌ها، ارتقاء دانش آناتومی، کاربرد اولین پروتزهای دندانی گرفته شده از استخوان گاو، استفاده از کتان در پانسمان زخم‌ها، آموزش وضعیت لیتوتومی، شرح تراکتوتومی، اولین کولستومی و بسیاری دیگر، از جمله پیشرفت‌ها و نوآوری‌های پزشکان مسلمان طی دوره شکوفائی طب در اسلام بوده‌اند [۲۶، ۲۲، ۱۹، ۱۵، ۴]. نام بزرگان، دانشمندان و پزشکان فراوانی از ایران و اسلام در کتب تاریخ پزشکی جهان در فصول مختلف از جمله جراحی، طب زنان و مامایی، روانپزشکی، اطفال، و غیره با افتخار ذکر شده‌اند [۲۷، ۲۶].

دانش دوستان اروپایی، کشورهای اسلامی آن زمان را به عنوان منبع علم و حکمت شناخته و با سفر به آن دیار به خوشه چینی از خرمن دانش مسلمانان پرداختند [۲۲]. ترجمه کتاب های پزشکی، فلسفی، نجوم و سایر کتب از زبان عربی به زبان لاتین از اواخر قرن دهم تا قرن چهاردهم میلادی (چهارم تا هشتم هجری) رواج یافت



شکل ۱- ستون سنگی حاوی قانون حمورابی (۱۷۵۰-۱۷۹۲ ق.م.)

آنچه در سوگندنامه‌هایی چون سوگندنامه بقراط بعدها ذکر گردیده بود، در ایران باستان با مشابهت فراوانی اجراء می‌گردید [۶،۳۳]. مهمترین اصول اخلاق پزشکی در ایران باستان حفظ عزت و افتخار فن پزشکی، مقدم دانستن ثواب و لذت معنوی درمان بر پاداش و کسب شهرت، متانت و آرامی و خوش‌زبانی، نیک‌پنداری و نیک‌گفتاری و سرانجام صلاحیت فنی پزشک بوده است. سقط جنین در ایران باستان گناهی نابخشودنی تلقی می‌شد و مرتکبان را به سخت‌ترین مجازات محکوم می‌کردند. در صورت وقوع سقط جنین، زن و مرد و شخصی را که عمل سقط را انجام داده یا داروی سقط‌کننده را تهیه نموده بود مقصر می‌شناختند و زن را به هر کیفیت و به هر عذر و علت که سقط جنین کرده بود، ناپاک می‌دانستند [۳۲].

پس از تشکیل سلسله ساسانی، اداره امور کشور بیشتر در دست روحانیون زرتشتی قرار گرفت و اینان توانستند نقش بزرگی در تمدن ایران ایفاء کنند [۶]. طیب در این دوران از میان شریف‌ترین خانواده‌ها و برجستگان کشور انتخاب می‌گردید [۶]. در آیین زرتشت در ایران باستان و در کتاب اوستا بسیار صریح و روشن، تکلیف طالب علم طب و طیب و وظایف او معین شده بود [۴،۶]. از کتب و رسالات بجامانده از دوران ساسانیان برمی‌آید که طبابت اصولاً به دو نوع انجام می‌گرفته است: اول، طبابت جسمانی و دوم، طبابت روحانی و آنچه از اسناد باقیمانده مستفاد می‌گردد این است که دومی بیش از اولی مورد نظر بوده است و طبیعی که با کلمات مقدس و پاک به طبابت می‌پرداخته، ارجمندتر بوده است [۲۰]. بنا به اعتراف برخی محققین خارجی، اخلاق پزشکی در ایران آن زمان، مدرن و مطابق با روز بوده است [۳۶،۳۷]. در قرن ششم پس از میلاد، دائره‌المعارف ساسانی دینکرت^۱ با اصطلاحات تخصصی اخلاق پزشکی، خصوصیات پزشک ایده‌آل را بیان نموده است [۳۸]. در کتاب «دینکرت» در مورد رفتار طیب با مریض و احتیاطات لازم، تذکرات سودمندی آمده است [۶،۳۸]. به عنوان مثال در قسمتی صفات پزشک خوب را چنین بیان نموده است: «پزشک

قوانین حمورابی، عمدتاً شامل قوانین مجازات پزشکان خلاف‌کار یا خطاکار است [۴،۳۱،۳۳]. هرچند در این قانون علاوه بر تعیین مجازات کسانی که بدون اطلاع از علم طبابت به این کار می‌پرداختند، به پاداش‌های درخور آنها و نیز به دستمزد جراحان و چشم‌پزشکان اشاره شده است [۵،۳۲]. در این قانون برای سقط جنین نیز مجازات‌هایی وضع شده است [۳۲]. خصوصیات ذکرشده برای پزشک در این قانون عبارتند از [۵]:

۱. پزشک به طبقه نجبای کشور تعلق دارد، پس باید در حفظ شئون شغلی خود بکوشد و علم پزشکی را خوب تحصیل کند.
۲. علم تشریح و وظایف اعضاء و فیزیولوژی را خوب بداند.
۳. حافظه قوی داشته باشد.
۴. نسبت به بیمار مهربان و خوش‌زبان، دوست و علاقمند باشد.
۵. برای پول کار نکند و از خدا بترسد.

تفاوت قانون حمورابی با سوگندنامه بقراط، که هرچند بعداً نگاشته شده است ولی بسیاری آن را قدیمی‌ترین قانون نظام پزشکی می‌دانند [۱،۳۲] این است که در سوگندنامه بقراط، بر خلاف قانون حمورابی، به هیچ وجه از دستمزد و مجازات پزشکان صحبت نکرده است و فقط جنبه‌های اخلاقی حرفه پزشکی را تذکر می‌دهد [۳۲]. سوگندنامه بقراط به دلیل همخوانی با فرهنگ‌ها و نظرات مختلف، طی قرن‌ها مورد استقبال جوامع مختلف قرار گرفت [۳۴] ولی طی هزاران سال توسط افراد و گروه‌های مختلف تغییراتی یافته است [۳۵].

در ایران باستان، عموماً کار پزشکی با علمای دین و موبدان بوده است [۶]. طیب بیشتر از میان طبقه روحانی انتخاب می‌گردید و پس از اتمام دوره الهیات و پزشکی، اگر می‌خواست فقط به اجرای احکام دین بپردازد، در سلک روحانیون (مغان) قرار می‌گرفت و گرنه به درمان و معالجه بیماران می‌پرداخت. ایران باستان نیمی از جهان را در سیطره قدرت خود داشت و در آن زمان اخلاق پزشکی از دستورات دینی و آیین مذهبی زرتشت تأثیر گرفته بود و

¹. The Dinkard

ویژه‌ای دارد که مبتنی بر قرآن و سنت می‌باشد [۴۱]. بینش اسلام در این خصوص مبتنی بر دیدگاه ویژه دینی نسبت به انسان می‌باشد. از دیدگاه قرآن کریم، انسان جایگاه ویژه‌ای در عالم خلقت دارد و کلیه فروع و احکامی که وضع شده است، براساس همین جایگاه ممتاز بوده است. لذا انسان‌ها نیز هرگاه اقدام به وضع قانون می‌کنند، باید به قانونگذاری الهی اقتداء کنند و با توجه به شأن الهی انسان، قانونگذاری نمایند.

از سوی دیگر، از دیدگاه اسلام، «ارتقای اخلاقی بشر» هدف اصلی بعثت پیامبران^۲ است. قرآن کریم مبانی و راهکارهای رسیدن به این هدف را بیان نمود و رسول گرامی اسلام و جانشینان او (ع) با سیره و سنت عملی خود الگوهایی را برای «عملکرد اخلاقی» معرفی نموده‌اند. در عصر پس از رسول گرامی (ص) و جانشینان او (ع)، نظارت و تصمیم‌گیری در موضوعات جدید را به علماء گرانقدر مسلمان سپرده شده و «اجماع» و «عقل» علاوه بر «قرآن» و «سنت» ملاک تصمیم‌گیری در احکام اسلامی قرار گرفته است. اخلاق و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در اسلام ارتباط غیرقابل انفکاک با فقه و شریعت اسلامی دارد. فقه اسلامی با چهار ملاک یاد شده و با تکیه بر مبانی و معیارهای حسن و قبح اعمال، «حکم وضعی» صادر می‌کند و هم آنها را در قالب دستورات عملی یا «حکم تکلیفی» به عنوان واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام بیان می‌نماید. علاوه بر اینها، فقه اسلامی در موارد لازم به صدور احکام قضایی لازم نیز مبادرت می‌نماید. موارد فوق‌الذکر در دوران اسلامی بر تمام جنبه‌های زندگی مسلمانان تأثیرگذار بوده است و اخلاق پزشکی نیز در این راستا بسیار از فرهنگ اسلامی نقش پذیرفته است. این امر در تمام تألیفات پزشکان مسلمان عصر طلایی اسلام به وضوح دیده می‌شود. به عنوان مثال حتی سوگندنامه بقراط که سابقه دیرینه‌ای داشته است توسط مسلمانان بگونه‌ای تغییر یافته است که با فرهنگ اسلامی قرین‌تر باشد.

باید اعضاء و جوارح بدن را بشناسد و درمان بیماریهای آنها را بداند.... مهربان باشد و حسادت نداشته باشد، در کلام مؤدب بوده و مغرور نباشد، دشمن بیماری و دوست بیمار باشد، متواضع و باحیا بوده و اهل خشونت و صدمه زدن نباشد، در عمل بزرگووار، و از شهرت و آبروی خوبی برخوردار باشد، برای کسب منفعت طبابت نکند بلکه نیت او اجر معنوی باشد.... [۳۸،۳۹].

در این کتاب دستور داده شده است که اگر طیب به استراحت بپردازد و در عیادت و درمان بیمار تعلل ورزد مرتکب گناهی بزرگ و جنایت گردیده است [۶]. در دینکرت آمده است که سلامت بر دو قسم است: اول سلامت تن، دوم سلامت جان، و پزشک را دو نوع قلمداد کرده است: پزشک روحانی و پزشک جسمانی [۲۰]. اصول تداوی و درمان در دینکرت شامل پنج وسیله است: کلام مقدس، آتش، گیاه، کارد و داغ کردن. اما درمان با کلام خدایی و اوراد و ادعیه موثرترین طریق درمان محسوب می‌شده است.

در متون ادبی پارسی در ارتباط با پزشک و صفات اخلاقی او، مطالب زیادی به نظم و نثر دیده می‌شود. داستان برزویه طیب در آغاز کلیله و دمنه نشان دهنده شرافت علم پزشکی و مبانی اخلاق و آداب در ایران پیش از اسلام است [۸]. این داستان همچنین نشانگر اخلاق پزشکی حاکم بر پزشکان آن زمان است^۱. در اشعار کهن پارسی نیز موارد زیادی در این ارتباط می‌توان یافت.

اخلاق پزشکی در ایران پس از اسلام

رعایت معیارهای اخلاق در طب دوره اسلامی نیز ادامه و ارتقاء یافت. اما پس از ظهور اسلام، قوانین فقهی و احکام شرعی جامعی شامل تمام جرائم و مجازات‌های آنها تدوین گردید که توسط پزشکان مسلمان اجراء می‌شد. البته اصول کلی اخلاق پزشکی در اسلام با مبانی اخلاق پزشکی مذاهب دیگر و نیز با اخلاق پزشکی بقراطی همخوانی دارد [۴۰]. اما همچون سایر مکاتب، اسلام نیز در پاسخ به سؤال «چه باید و چه نباید انجام شود» دیدگاه و تفکر اخلاقی

^۱ پیامبر اکرم (ص): انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق، [حدیث متواتر از جمله در

خصال صدوق، «باب الثلاثه»، حدیث ۱۲۱، کنز العمال، حدیث ۵۲۱۷۵ (جلد ۳،

صفحه ۱۶)، خصال صدوق، «باب الثلاثه»، حدیث ۱۲۱.

^۱ کلیله و دمنه، تصحیح مجتبی مینوی، صص ۴۴-۵۸.

علم طب نداشته باشد ضامن و مسؤول است^۲. امیر مؤمنان (ع) فرمود: «کسی که به پزشکی یا دامپزشکی اشتغال یافت، باید از ولی اجازه بگیرد و گر نه او ضامن است^۳». از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «هر کس که طبابت می کند باید تقوای الهی داشته باشد و خیرخواهی نموده و کوشا باشد^۴». همچنین اسلام به روانپزشکی مریض اهمیت می دهد، بلکه معالجه جسم رانست به معالجه روح در مرحله دوم قرار می دهد. لذا در بعضی از روایات می بینیم مریض را با خدا ارتباط داده و او را به خدا حواله می دهد [۲]. کار طبیب نیز این است که روح مریض را طبابت کند و امید را در او زنده نگه دارد. روایت شده است که علاج کننده طبیب نامیده می شود، چونکه معالج با طبابتش نفس و روان مریض را پاک می کند^۵.

با توجه به تأکیدات دینی زیادی که موارد فوق مثالهایی از آن می باشند، پزشکان بزرگ ایران و اسلام، به آداب و اخلاق پزشکی عنایت فراوانی معطوف داشته اند و کتابهای زیادی در این باب تألیف شده است که از جمله آنها می توان کتب «فی التفرق فی الطب الی السعاده» ابن رضوان، «ادب الطبیب» رهاوی، و «التشویق الطبیبی» صاعد بن الحسن را نام برد [۸]. همچنین از همین رو در اسلام به امتحان پزشکان و آموختن علم و مهارت آنان اهمیت زیادی داده شده است. کتبی چون «فی محنه الطبیب^۶» و «فی مخاریق المشاتین» رازی، و نیز بخشی از کتاب «معالم القریبه فی احکام حسبه» قرشی و «نهایه الرتبه فی طلب الحسبه» شیزری، درباره شرایط پزشک، بازرسی پزشکان و مجازات پزشکان متخلف و پزشک نمایان می باشد [۸].

نخستین کسی که حرفه پزشکی را سازمان داد و قوانین خاص برای آن معین کرد، خلیفه عباسی، المقتدر بالله بود. وی در سال ۳۵۱ هجری قمری، برای کسانی که می خواستند به حرفه پزشکی بپردازند، شرکت در آزمون

اسلام علاوه بر تأکید بر کرامت انسانی، بطور عام، که برجسته ترین نمایه آن اعطاء عنوان «خلیفه الهی» به انسان می باشد؛ بطور خاص نیز در اوامر و نواهی اخلاقی سعی بر حفظ جایگاه و شأن انسان داشته است. این اوامر و نواهی اخلاقی در حیطة طبابت، که حرفه ای مقدس و در کنار «علم دین^۱» بشمار می رفته است، محتوای اخلاق پزشکی را تشکیل می داده است. این موضوع بقدری اهمیت داشته است که اکثر دانشمندان علوم پزشکی در دوران تمدن اسلامی در کنار کتب و تألیفات علمی طبی و یا لابلائی مطالب آنها، موضوع «اخلاق در طب» را نیز به صورت مفصل یا مجمل بیان کرده اند و آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) در مورد موضوعات مطرح در طب مثل سقط جنین، حفظ حیات بیمار، ارتباط پزشک با بیمار و غیره را مورد استناد قرار داده اند. در هر حال، در آن دوران، تقوای اخلاقی و مهارت در فن طبابت، دو رکن اساسی برای پزشک بشمار می آمده اند و عموماً توقع داشته اند که پزشک علاوه بر ذکاوت علمی دارای فضائل اخلاقی نیز باشد [۲۸، ۴۲]. از جمله خصائص بارز پزشکان مسلمان در آن دوران، علاوه بر تبحر در طب، احاطه بر فلسفه، حکمت و علوم دینی و ادبی (علوم عقلی و نقلی) بود. از این رو پزشک در جامعه اسلامی، حکیمی فرزانه بود که با برخورداری از دانش آمیخته با ایمان و اخلاق، برای نجات جان آدمیان خدمت می کرد (۱۷). بایستی ذکر نمود که پزشکی در اسلام، علاوه بر اینکه مسئولیتی دینی است که واجب کفایی محسوب می شود، اهمیت دادن اسلام به آن تا آن حد است که این علم را با علم ادیان، مقایسه کرده است (۲). از امیر مؤمنان علی (ع) روایت شده است که فرموده اند: «علم دو نوع است: علم ادیان و علم ابدان». پزشک از دیدگاه اسلام در مقابل بیمار و سلامت او ضامن و مسؤول دانسته شده است لذا باید از مهارت لازم برخوردار باشد و برای انجام طبابت از بیمار یا ولی او رضایت بگیرد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: کسی که به حرفه پزشکی بپردازد در حالی که دانش و اطلاع کافی از

^۱ . العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان (بحار الانوار / ۲۲۰) (طب امام صادق (ع)، ص ۱۷)، (روضه کافی، ص ۲۴۵).

^۲ من تطیب و لم یعلم منه الطب قبل ذلک فهو ضامن (کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۶).

^۳ کافی، ج ۸، ص ۳۶۴. تهذیب، ج ۱۰، ص ۲۳۴. وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۹۵.

^۴ بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۷۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۲۷.

^۵ صدوق، العلل، ص ۵۲۵. روضه کافی، ص ۸۸. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۷۶. به

نقل از کافی و علل. بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۶۲ و ۷۵ به نقل از علل و کافی و دعائم.

^۶ در آزمایش کردن پزشک (و اینکه او باید چگونه باشد)

دریافت گواهینامه پزشکی را الزامی کرد [۱۷،۱۳،۴۲]. پس از گذراندن امتحان، به افراد پروانه طبابت داده می‌شد. همچنین خلفای عباسی مقرر کردند که دانشجویان پزشکی پس از آموختن تعلیمات عملی و نظری، رساله‌ای بنویسند که اگر مورد قبول استاد واقع شد به کار طبابت بپردازند و پس از فراغت از تحصیل نیز سوگند بقراطی اداء کنند [۴۲]. البته در آن زمان سوگندنامه بقراط جنبه قانونی نداشته، بلکه تعهدی اخلاق برای به کار بستن اصول این حرفه بوده است [۱۸]. انتشار این سوگندنامه به عربی توسط علی بن عباس مجوسی انجام شده که به «پندنامه اهوازی» معروف است [۲۵،۱۸]. البته پندنامه اهوازی از سوگندنامه بقراط جامع‌تر است؛ وی علاوه بر ترجمه، بنا به ذوق و سلیقه خود و با احترام به اصول اخلاقی اسلام، مطالبی را بدان افزوده است [۳۲]. اصول کلی اخلاقی، که توسط پزشک باید رعایت شود، در این پندنامه آورده شده است [۳، ۳۱، ۲۵، ۱۸]. لزوم و اهمیت فوق‌العاده خدمات بیمارستانی و کارآموزی پزشکان در مکتب استادان و اهمیت آموزش بالینی از مطالب اضافه شده به سوگندنامه بقراط می‌باشد [۳۲]. همچنین اهوازی بر مطالعه کتب پزشکی تأکید نموده است و نیز پزشکان را از خوشگذرانی و لهو و لعب و نوشیدن شراب منع نموده است [۳۲]. او این پندنامه را در کتاب «الملکی» یا «کامل‌الصناعه‌الطیبه» آورده است [۱۲، ۴۳]. علی‌بن‌مجوسی اهوازی، در این کتاب بابی را به اخلاق پزشکی اختصاص داده است [۳۱]. در قسمتی از کتاب^۱ سفارش‌های سودمندی در خصوص دانشجویان علم طب آمده است که قسمتی از آن را به بقراط نسبت داده اند [۲]: «بر دانشجویان علم پزشکی لازم است که اوامر خداوند سبحان را اطاعت نمایند و اساتید خود را احترام بگذارند و در خدمت آنان باشند و ایشان را به منزله والدین خود بدانند. همچنین به آنان نیکی کنند و آنان را شریک اموال خود قرار دهند. همانگونه که باید فرزند، معلم خود را برادر خود بداند و این صنعت را بدون مزد به او یاد دهد. باید اولاد خود و اولاد استادشان و تمام محصلین دیگر که استحقاق آموختن این صنعت را دارند به این علوم و سفارش‌ها، آموزش دهند». پس از آنکه

مواردی دیگر بیان می‌کند؛ از جمله لزوم حفظ مطالب و عدم اعتماد به کتاب و اینکه: باید در دوران کودکی خود، این مطالب را بیاموزد، چون فراگیری در ایام کودکی آسانتر از فراگیری در زمان کهنولت است و همچنین بر دانشجوی علوم پزشکی است که در بیمارستان‌ها در معیت اساتید و علمای حاذق این صنعت به سر برد و این علم را در عمل، پیاده کند و بر بیماران و اوضاع و احوال آنان، اشراف داشته باشد و از مصاحبت اساتید خود و خدمت به بیماران و به طور کلی به طور تجربی و عملی، بهره کامل ببرد و علم و عمل را با هم تطبیق کند^۲.

همانگونه که بیان شد؛ در کلیه متون معتبر پزشکی که از دوران شکوفایی علوم در تمدن اسلامی، یعنی از اواخر قرن دوم هجری به بعد تألیف و تدوین شده است، مطالبی درباره اخلاق پزشکی و ویژگی‌هایی یک طبیب وجود دارد [۳۱]. ابوبکر محمدبن زکریای رازی جزواتی در زمینه مراعات اصول اخلاق پزشکی دارد و کتاب «طب روحانی» او نیز در باب اخلاق می‌باشد [۴۴]. در حقیقت، کتاب طب روحانی را عدیل و قرین طب منصوری در طب جسمانی دانسته‌اند [۴۵]. این کتاب را از نظر طبقه‌بندی جزو کتب فلسفه اخلاق بشمار می‌آورند. آنچه در مزیت کتاب طب روحانی باید گفته شود این است که رازی در این کتاب تقلید از گذشتگان را کنار زده و افکاری که در این کتاب ابراز داشته است افکاری کاملاً مستقل است. او صرفاً به نقل قول نمی‌پردازد بلکه از فکر و عقل خود در تحلیل و تجزیه مطالب اخلاقی استمداد می‌جوید [۴۵]. رازی ضمن آن‌که به تأیید مورخان و تذکره‌نویسان، خود فردی خوش‌خوی و کریم‌النفس بوده است، شاگردانش را نیز به رعایت آیین و سنت پزشکی ترغیب می‌نموده است [۲۰]. در کتب دیگر او همچون کتاب بسیار معتبر «الحاوی فی الطب» و نیز رساله‌های «سرالطب» و «محنه‌الطیب» و «خواص التلامیذ» نیز اشارات رازی به اخلاق پزشکی و احترام به آیین و سنن پزشکی بخوبی نمایان است [۴۶، ۲۰]. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، چهره سرشناس طب در ایران و جهان که از بیش از صد عنوان اثر خود ۱۶ کتاب را در زمینه طب نگاشته است، در کتب خود رهنمودهای

^۱. باب دوم، مقاله اول.

^۲. تاریخ طب در ایران، ج ۲ (منبع ۲۰)، ص ۴۵۶ - ۴۵۸ (با تصرف).

ارزنده‌ای درباره راه و رسم معلمی و طبابت آورده است [۳۱].

یکی از مبسوط‌ترین کتب پیرامون اخلاق پزشکی و یکی از تألیفات ارزشمند در موضوع اخلاق پزشکی در قرن دهم میلادی، کتاب «ادب‌الطیب» نوشته اسحاق بن علی الرهاوی می‌باشد [۴۷، ۴۸، ۴۳] که توسط انجمن فلسفه آمریکا نیز در دهه ۱۹۶۰ به لاتین ترجمه شده است [۵۱-۴۹]. او پس از گرویدن به اسلام، کتاب «ادب‌الطیب» را نوشت که در آن به مباحثی چون: اعتقاد و وظیفه‌شناسی پزشکان، مسئولیت آنان، مسائل اخلاقی در ارتباط پزشک با بیمار و آنچه پزشک باید از آنها پرهیز نماید، پرداخته است [۴۷].

همچنین علی ابن ربن طبری در قرن نهم میلادی در کتاب «فردوس‌الحکمه» را نوشت [۱۴، ۱۹، ۴۷، ۵۲، ۵۳] که در آن اخلاقیات پزشکی را در پنج دسته مورد بحث قرار داده است؛ شامل: خصوصیات شخصی پزشک، تعهدات پزشک نسبت به بیماران، تعهدات پزشک نسبت به جامعه، وظایف پزشک در قبال همکاران، و تعهدات پزشک در مقابل دستیاران [۱۹، ۴۷، ۵۲، ۵۳].

این کتاب (متن اصلی همراه با ضمیمه انگلیسی) در سال ۱۹۲۸ توسط پروفیسور ادوارد براون در برلین منتشر شد [۲۳، ۵۴]. سید اسماعیل جرجانی، خواجه‌نصیرالدین طوسی و بسیاری دیگر نیز تألیفاتی در این زمینه داشته‌اند. ابوبکر ابن بدر بیطار (ابن منذر) از اساتید بزرگ دامپزشکی قرن هشتم هجری نیز در کتاب کامل الصناعین، قسمتی را به اخلاق دامپزشکی اختصاص داده است [۲۲].

با دقت در متون اخلاق پزشکی آن زمان می‌توان دریافت که؛ هر چند اخلاق دینی در اخلاق حرفه‌ای نوین به عنوان «اخلاقی مبتنی بر فضیلت»^۱ شناخته می‌شود، و هرچند اخلاق پزشکی اسلامی از لحاظ نظری بر فضائل اخلاقی و تقوی تأکید داشته است؛ ولی از لحاظ عملی در تصمیم‌گیری‌های بالینی اصول ویژه و معیارهای ثابتی را استفاده می‌نموده و به عبارت کاملتر، اخلاقی مبتنی بر اصول^۲ بوده است که اصول اساسی آن را می‌توان شامل:

ارزشهای دینی و فقه عملی اسلام، حفظ کرامت انسانی، سلامت و رفاه دنیوی افراد، و توجه به سعادت اخروی دانست. آنچه مسلم است این است که در اسلام اخلاق پزشکی با فقه و شریعت دینی ارتباط تنگاتنگی دارد. این امر در اخلاق پزشکی نوین، که به تصمیم‌گیری در مباحث مختلف می‌پردازد، بیشتر نمایان است.

از اوایل قرن هفدهم به بعد، اخلاق پزشکی نوین (نه صرف آداب معاشرت پزشکان) در جهان مطرح شد [۳۶]. اما متأسفانه در این زمان، دوره افول در سرآمدی در علوم را، پس از دوره تمدن اسلامی در حوزه کشورهای اسلامی و ایران شاهد بودیم که تا دهه‌های اخیر ادامه داشته است. با ایجاد روش‌های مدرن دانشگاهی در ایران که با تأسیس «دارالفنون» در قرن نوزدهم میلادی آغاز گردید و نیز پایه‌گذاری دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۴ میلادی)، آموزش اخلاق پزشکی جزئی از آموزش پزشکی شد [۲۵]. هر چند در آن زمان کتبی در موضوع اخلاق پزشکی نگاشته شده بود [۵۵]، ولی کتاب دکتر اعتمادیان در خصوص آداب و اخلاق پزشکی، اولین کتاب معاصر در موضوع اخلاق پزشکی نوین در کشور ماست که مباحثی چون ارتباط پزشک و بیمار، رازداری، سقط و اتانازی را مورد بررسی قرار داده است [۲۵، ۳۲]. در سال‌های اخیر، اخلاق پزشکی به صورت دو واحد درسی به دانشجویان پزشکی آموزش داده می‌شود. با توجه به لزوم استفاده از شیوه‌های جدید آموزش مبتنی بر حل مسئله^۳، اقداماتی در این زمینه صورت گرفته و برخی متون مورد نیاز ترجمه و تألیف گردیده است [۵۶].

طی سال‌های اخیر، توجه روزافزون اساتید و صاحب‌نظران کشورمان را به مقوله اخلاق پزشکی شاهد بوده‌ایم [۶۲-۵۷]. خصوصاً از سال ۱۳۷۲، فعالیت‌های اخلاق پزشکی در کشور روند رو به رشد و مطلوبی را پشت سر گذارده است که علاقمندان می‌توانند مشروح آن را در مقاله «تاریخچه و گسترده فعالیت‌های اخلاق پزشکی در ایران» [۶۲، ۶۳] مطالعه نمایند. برگزاری اولین سمینار بین‌المللی اخلاق پزشکی در کشور، تأسیس مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، تشکیل کمیته ملی اخلاق در

¹ . virtue – based ethics

² . Principle – based ethics

³ . problem – based learning

تحقیقات، تدوین کدهای ملی اخلاق در پژوهش و قانونگذاری در زمینه‌هایی چون مرگ مغزی و پیوند اعضا، و تدوین برنامه راهبردی اخلاق پزشکی کشور از جمله فعالیت‌هایی هستند که طی دهه اخیر به همت پزشکان، صاحب‌نظران علوم دینی و مسئولین دولتی به انجام رسیده است [۶۲-۶۴]. موضوعات نوین اخلاق پزشکی و دیدگاه‌های اسلامی نیز به انحاء مختلف در مقالات و کتب نگارش یافته مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

فاصله‌ای حدود ده قرن بین دوره تمدن یونان و عصر افلاطون و بقراط تا شروع عصر مدرنیته وجود دارد [۶۵] که بنابه گواهی تاریخ، در این دوران ایرانیان گام‌های بلندی در ارتقاء دانش و پیشبرد علم طب برداشته‌اند. دوران شکوفایی علمی در ایران، تحت تأثیر فرهنگ و اعتقادات اسلامی، با توجه خاصی به اصول اخلاقی همراه بوده است. شاید تأثیرات اسلام در حیطه اخلاق پزشکی ایران را بتوان بیشتر قلبی دانست تا ماهوی؛ چرا که برخی اصول اخلاقی از دیر باز در جوامع مختلف برای شغل طبابت مفروض بوده است. به عنوان مثال سقط جنین در قدیمی‌ترین منابع و در سوگندنامه‌های پزشکی در دوره‌های مختلف مورد

نهی بوده است. اما آنچه اسلام بر این اصول افزوده است جامع‌تر نمودن آنها و قانونمند نمودن آنها در قالب دستورات دینی و افزایش آگاهی‌های عموم مردم در این خصوص و لذا تأکید بیش از پیش بر آنها بوده است. البته لازم به توضیح است که اصول و مبانی اسلامی در اخلاق پزشکی نوین و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر آن می‌توانند بسیار تأثیر گذار راهگشا باشد. فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی منبعی بی‌نظیر است که در تدوین و تحلیل مبانی اخلاقی و ارائه نظریات مورد قبول در جهان، می‌تواند بکار گرفته شود. تنها با تمسک به این سرچشمه لایزال است که می‌توان امید داشت در آینده‌ای نزدیک اندیشمندان مسلمان کشور ما پیشتاز و پرچمدار علم و اخلاق در جهان باشند. نکته مهم این است که سردمداری دردانش و طب را از سردمداری در حیطه اخلاق و اخلاق پزشکی نمی‌توان جدا نمود. ارتقای اخلاق پزشکی در کشور مقوله‌ای است که از رشد و پیشرفت دانش و فناوری‌های پزشکی در کشور منفک نیست؛ لذا وظیفه اخلاقی، دینی و ملی تمامی دانشمندان، اساتید، محققین، دانشجویان و دست‌اندرکاران کشور این است که با وجود تمام مشکلات و کاستی‌های فراوانی که با آن روبرو هستند، ضمن بکار گرفتن تمامی مساعی خویش در زمینه‌های مختلف علمی، از توجه به مبانی اخلاقی غفلت نورزند.

مآخذ

۱. Campbell A, Gillett G, Jones G. *Medical ethics: theories of medical ethics*. UK: Oxford University Press, 2001, p. 34-48.
۲. مرتضی‌عاملی، سید جعفر. *آداب طب و پزشکی در اسلام با مختصری از تاریخ طب*. ترجمه لطیف راشدی با همکاری حسین برزگری بافقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. نسخه الکترونیک: Access <http://www.ghadeer.org/site/tarbeiat/mozooat/026/start.html> (7/2005)
۳. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ معاونت امور فرهنگی. *اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی*. تهران: چاپ سپهر، ۱۳۷۰.
۴. الگود، سیریل. *تاریخ پزشکی ایران، از دوره باستان تا سال ۱۹۳۴*. ترجمه محسن جاودان. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۵۲، صفحات ۴۲-۱۶، ۲۶۶-۲۱۱، ۴۳۳-۳۷۹.
۵. فیض، ابوالحسن. *آیین پزشکان مسلمان. اخلاق پزشکی در اسلام*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، صفحات: ۲۴-۱۴.
۶. نجم‌آبادی، محمود. *تاریخ طب در ایران*. جلد اول: قبل از اسلام. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، صفحات ۱۰۳-۱۰۱، ۲۶۳-۲۵۶، ۳۲۲-۳۰۵، ۳۳۶، ۷-۳۹۲، ۳۹۲-۴۱۹.
۷. ناظم‌النسیمی، محمود. *الطب النبوی والعلم الحدیث*. بیروت، ۱۹۸۷، ص ۳۳.
۸. محقق، مهدی. *مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران*. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴، صص ۳۹۷-۴۰۴.

9. Elgood C. *Tibb-al-Nabi or Medicine of the Prophet*. Osiris 1962; 14: 33-192.
10. Elgood C. *The medicine of the prophet*. Med Hist. 1962 Apr;6:146-53.
11. Magner LN. *A history of the life sciences*. New York: Medical Dekker, Inc, 2002, PP.66-76.
12. Nagamia HF. Islamic medicine: *history and current practice*. JISHIM¹ 2003; 2: 19-30. Available also at: International Institute of Islamic Medicin (IIIM) site: www.iiim.org/islamed3.html (access 5/2005).
۱۳. نفیسی، ابوتراب. *تاریخ اخلاق پزشکی*. اصفهان: معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، چاپ اول ۱۳۷۱، صفحات ۹۸-۱۲۸.
14. Conrad LI. Arab – Islamic medicine. In: Bynum WF, Porter R. *Companion encyclopedia of the history of medicine*. Volume 1, London: Routledge, First edition, 1993, pp. 676-727.
15. Syed IB. Islamic medicine: *1000 years ahead of its times*. JISHIM 2002; 2: 2-9. Available also at: In: Athar SH. *Islamic medicine*. At: www.islam-usa.com/im4.html (access 4/2005).
16. Lyons AS, Petrucci RJ. *Medicine: illustrated history*. New York: HN Abrams Inc. Publishers, 1978, pp. 295-317.
۱۷. عیسی بک، احمد. *تاریخ بیمارستان ها در اسلام*. ترجمه دکتر نوراله کسائی. کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران، ۱۱ تا ۱۴ مهرماه ۱۳۷۱، صفحات ۵-۶، ۲۶-۵۰.
۱۸. تاج بخش، حسن. *تاریخ بیمارستان های ایران*: از آغاز تا عصر حاضر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.
19. Abouleish E. Contributions of Islam to medicine. In: Athar SH. *Islamic medicine*. At: www.islam-usa.com/im3.html (access 4/2005).
۲۰. نجم آبادی، محمود. *تاریخ طب در ایران*. جلد دوم: پس از اسلام (از ظهور اسلام تا دوران مغول). تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶، صفحات ۸۲، ۳۱۰-۶۳۰.
۲۱. براون، ادوارد. *تاریخ طب اسلامی*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ ششم، ۱۳۸۳، صفحات ۹۹-۶۷.
۲۲. تاج بخش، حسن. *تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران*. جلد دوم: دوران اسلامی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صفحات ۳۳۶-۲۸۳.
23. Sarmadi MT. *A research on the history of world medicine and treatment*. Translated by Prof. Saeed Kanani Zanjani, Vol.1. Tehran: Homa Printing House, First edition, 2002, pp. 306.
۲۴. روستایی، محسن. *تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضا شاه)* به روایت اسناد. جلد اول. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۲، صفحات: یکصد و چهل و دو، یکصد و چهل و سه، یکصد و پنجاه و شش.
25. Bagheri A. *A brief history of medical ethics in Iran*. At: www.lifestudies.org/iranbiohist.html (access 5/2005).
26. Duffin J. *History of medicine: A scandalously short introduction*. Toronto: University of Toronto Press, 2001, PP. 219, 246,279,307,310.
27. Sebastian A. *Dates in medicine: a chronological record of medical progress over three millennia*. New York: The Parthenon Publishing Group, 2000.
28. Amine ARC, Elkadi A. *Islamic code of medical professional ethics*. Bulletin of Islamic Medicine, Vol 1: Proceeding of the first International Conference on Islamic Medicine, January 1981, Kuwait, pp. 652-657.
۲۹. امامی میبدی، محمدعلی. *جایگاه آناتومی از دیدگاه متفکران مسلمان*. فصلنامه مشکوه، سال ۱۳۷۳، شماره ۴۳. نسخه الکترونیک: 04305.htm (access 4/2005). www.hawzah.net/Per/Magazine/ME/043/me
30. Singer P. *A companion to ethics*. Oxford: Blackwells, 1993, pp. 29-39.
۳۱. محرری، محمدرضا. *تاریخچه و کلیات اخلاق پزشکی*. در: *مجموعه مقالات صاحب نظران درباره اخلاق پزشکی*. تهران: دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی، شهریور ۱۳۶۹، صفحات: ۴۲ - ۲۱.
۳۲. اعتمادیان، محمودناصرالدین. *اخلاق و آداب پزشکی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
۳۳. ماه وان، احمد. *اخلاق پزشکی در ادوار تاریخ*. در: *مجموعه مقالات اخلاق پزشکی (جلد اول)*. کلیات اخلاق پزشکی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی. معاونت امور دانشجویی، فرهنگی، حقوقی و مجلس، تابستان ۱۳۷۳، صفحات ۱۵ - ۱.
34. Burnham JC. *What is medical history?* Cambridge: Polity Press First edition, 2005, pp. 17-20, 130-153.
35. Farooqi MQ. *An Ethical code for Islamic medical practice*. Bulletin of Islamic Medicine, Vol 1: Proceeding of the first International Conference on Islamic Medicine, January 1981, Kuwait, pp. 665-671.
36. Loewy EH. *Textbook of medical ethics*. New York: plenum Medical Book company, 1989, pp.1-14.

¹. Journal of International Society for the History of Islamic Medicine (<http://www.ishim.net/newsletter.htm>)

37. Carrick P. *Medical Ethics in antiquity*. Boston: D. Reidel, 1985.
38. Carrick P. *Medical ethics in the ancient world*. Washington: Georgetown University Press, 2001, pp. 72-3.
39. Amundsen DW. History of medical ethics. In: *Encyclopedia of Bioethics*. New York: MacMillan; 1995; vol. 2, p. 883.
40. Dear AS, Al Khittamy B. Bioethics for clinicians: 21. *Islamic bioethics*. CMAJ 2001; 164(1): 60 – 63.
41. Nanji A. Islamic ethics. In: Singer P. *A companion to Ethics*. Oxford: Blackwells, 1993, pp. 106-118.
۴۲. کهندل، پرویز؛ زارعی، نساء. تاریخچه اخلاق پزشکی از بعد وظایف و صفات اطبا. مجموعه مقالات اخلاق پزشکی (جلد اول). کلیات اخلاق پزشکی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی. معاونت امور دانشجویی، فرهنگی، حقوقی و مجلس، تابستان ۱۳۷۳، صفحات ۳۶-۱۷.
43. Tajbaksh H. Medical ethics in the life and works of the great Iranian scholars. *The Experiences and challenges of Science and Ethics: Proceedings of an American-Iranian Workshop (2003)*, Appendix I, PP. 86 – 91. At: www.nap.cdu/openbook/0309088909/html/87.html (access 4/2004).
۴۴. محقق، مهدی. *طب روحانی رازی*. تهران: معاونت امور فرهنگی، حقوقی و مجلس وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۲.
۴۵. محقق، مهدی. *مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران: رازی و پایگاه علمی او*. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۴، صص ۳۲۱-۳۳۳.
۴۶. نبی پور، ایرج. *زکریای رازی، معلم اخلاق پزشکی ایران*. در: *مجموعه مقالات اخلاق پزشکی (جلد سوم)*: سوگندنامه‌های پزشکی، اخلاق در آموزش و پژوهش. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی، ۱۳۷۲، صفحات ۱۱۷ – ۱۲۹.
47. Al Ghazal SK. *Medical ethics in Islamic history at a Glance*. JISHIM 2004; 3: 12-13.
48. Akoy S. The religious tradition of Ishaq ibn Ali al-Ruhawi: the author of the first medical ethics book in Islamic medicine. *JISHIM* 2004; 3:9-11.
49. Levy M. *Medical Ethics of Medieval Islam with special reference to Al-Ruhawi's "Practical Ethicsof the Physician"*. Philadelphia: the American Philosophical Society, 1967.
50. Levy M. *Medical deontology in ninth century Islam*. *J Hist Med* 1966; 1: 358-73.
51. Khan A. *Islamic philosophy and medical ethics*. URL:<http://members.tripod.com/ppim/page1031.htm>
52. Hamarnesh S. *The physician and the health professions in medeival Islam*. *Bull N Y Acad Med* 1971; 47: 1088-1110.
53. Levy M. *Medical ethics of Medieval Islam with special Reference to Al Ruhawis*. *Practical Ethics of the physician* 1967, vol. 57, part 3.
۵۴. الطبری، ابی الحسن علی بن سهل رین. *فردوس الحکمه فی الطب*. برلین. مطبع آفتاب، ۱۹۲۸ (چاپ دوم، ۲۰۰۱ میلادی، ۱۴۲۲ هـ.ق.).
۵۵. چهرازی، ابراهیم. *طبيب در جامعه*. تهران: ۱۳۱۷.
۵۶. لاریجانی، باقر. *پزشک و ملاحظات اخلاقی (دو جلد)*. چاپ اول، تهران: نشر برای فردا، ۱۳۸۲.
۵۷. لاریجانی، باقر؛ زاهدی، فرزانه. *طب و اخلاق پزشکی نوین*. مجله دیابت و لیپید ایران، ویژه‌نامه اخلاق در پژوهش‌های بالینی، دوره ۴، ۱۳۸۴، صفحات ۱-۱۱.
58. Zali MR, Shahrzad S. *Current situation of bioethics in genetic research in Iran*. The Experiences of challenges of science and Ethics: proceeding of an American-Iranian workshop, 2003, Appendix H.
59. Zali MR, Shahrzad S, Borzabadi SH. *Bioethics in Iran: legislation as the main problem*. *Arch Iranian Med* 2002; 5(3): 136 – 140.
60. Larijani B. *Current bioethical activities in Iran*. Asian Bioethics Association: Dialogue and Promotion of Bioethics in Asia. Japan, Kyoto, 21-24 September 2003.
۶۱. زالی، محمدرضا. *مبانی نوین ارتباط پزشک و بیمار*. چاپ اول، تهران: فرهنگستان علوم پزشکی ایران، ۱۳۷۷.
62. Larijani B, Zahedi F, Malek-Afzali H. Medical ethics activities in Iran. *Eastern Mediterranean Health Journal (EMHJ)* 2005; 11: 1061-1072.
۶۳. لاریجانی، باقر؛ زاهدی، فرزانه؛ ملک‌افزالی، حسین. تاریخچه و گستره فعالیت‌های اخلاق پزشکی در ایران. *مجله دیابت و لیپید ایران، ویژه‌نامه اخلاق در پژوهش‌های بالینی پزشکی*، ۱۳۸۴، دوره ۴، صفحات ۱۳-۲۴.
64. Larijani B, Malek-Afzali H, Zahedi F, Motevaseli E. Strengthening Medical Ethics by Strategic Plan in Islamic Republic of Iran. *Developing World Bioethics* 2006; 6: 106-110.
65. Witehead AN. *Science and the modern world*. UK: Cambridge University Press, 1925, pp.34.